

صحرای متفرق شدند و متعاقب ایشان دو آمو پروین آمدند و رفتند  
شکار چپان بعرض رسیده اند که فوجها در سنگهای مانده و صید ایشان  
در نهایت آسان است اعلیحضرت پادشاهی محض کتبت خاطر از صید  
بین سهولت صرف نظر فرموده و مقرره داشتند هر کس خواهد  
و بتواند ایشان را صید کند مقرر شد بیخان غلام هر کجی با شکی فوجی چهار  
ساله با تازی گرفت و سه آمو ما خود سگان سکاری جلو داران خاصه شد  
و سه حسین خان پیشدست آموئی با شنگک صید نموده بجنوب  
جما بون آورده هر یک بفرخوردشان انعام و جسان یافتند  
سه ساعت بعروب مانده موکب فیروزی کوکب بکین شورشمان  
تشریف ورودارزانی داشت و والد و شایسته زاده اعظم نایب  
سلطه العلیه العالیه کامران میرزا با آغا حسن و آغا مهدی خوابه سران  
سرکار پادشاهی و خدمه خود و زینهای ترکمانان و چاه البست کلندوک  
که مقرر بودی شاهنشاه زاده معظم البیبه بود تشریف بردند  
از مغراف فیروزکوه اخبار انقلاب هوای دارالخلافه و بقای

مرض و باء در شهر و نواحی متواتر آبرغرض رسیده و سرکار پادشاهی  
تأمل و ایش شد که با بخل در این صفحات توقف فرمایند یا بسمت دار  
اختلافه تشریف فرما شوند و نیز از قرار یکیه از دار اختلافه بعرض رسانده  
بودند اسمعیل خان خزانه دار نظام که از قدیمی جاگران و خانه زاده این  
دولت جاوید عدت بود و در حضرت کردون بسطت عزتی نام داشت  
بمرض و باء رحلت نموده قلب مبارک از فوت چنین نوکری صدیق  
در نهایت متوسف و محزون گشت

از کور سفید بشورستان چهار فرسنگ است راه ابداد و فرسنگ  
است و در قلعه کوه سمت چپ آن آثار برجی عظیم نمایان که خراب  
مانده و معلوم نیست برای چه ساخته بودند

یک فرسنگ بشورستان مانده کوه بهای سخت پر سنگ طرفین  
یکدیگر نزدیک شده شکله صورت میدهد با یکصد و پنجاه قدم طول  
رودی از میان آن جاری و صحرای میان رود است که از زمین  
سنگ خارج شده و حاصل بنکه و صحرای میشود سمت چپ این جلگه بالای

کوه مشایه دو چادر قلندری کسبید و امام زاده است و در این  
 راه بجز قسریه کمنه قریه و قصبه لمخوط نیست

بندکان اقدس بهابون شاهنشاهی در روزنامه مبارکه خود که بخط بهابون  
 مرقوم شده است با پنجا که رسیده اند روزنامه را در نهایت مختصر  
 ضبط نموده و از شرح جغرافیائی آن صرف نظر فرموده اند ما نیز <sup>خط</sup>  
 و امیرانگه انشاء الله در ظل عطفوت بهابون شاهنشاهی صلوات الله  
 ملک و دولت روزنامه های سفرهای مکرر سرکار اقدس را بغیر روز  
 کوه و سیلافات ثبت خواهم نمود و احوال اراضی و اطلاعات  
 جغرافیائی این ناحیه را مشروحاً مندرج خواهم داشت در این و جزیره  
 در ذکر حرکت اردوی بهابون از نسیر و زکوه الی دار اسخلاقه الباهره  
 باختصار میگویشیم و فقط منازل و وقایع روز بروز را مذکور میگردیم  
 شب بیهشم و تشریف فرمائی اعلیحضرت شاهنشاهی  
 به تنگساره داشتی

در این روز اعلیحضرت شاهنشاهی سه ساعت از روز برآمده از سرپرد

بیرون آمده با سبب نخل مدنی پیشانی ششمه الدوله سوار شده  
 از راه مرز خواند و به سمت مشکه و اشقی تشریف فرما شدند و در راه  
 چند آهواز مقابل تپ بیرون آمده سرکار پادشاهی تیری بدیشان  
 پدید آمدند تیرهای یون بواسطه بعد مسافت کارگرنیامد و امر شد  
 کسی ایشان را تعاقب نکند و چون موکب مسعود به مشکه و اشقی  
 رسید آب مشکه زیاد و بار و بنه و شتران و قاطران در میان مشکه  
 مترکم شده بودند و یکی دو بار در میان آب افتاده راه را مسدود  
 داشته بود حضرت اقدس بعسرت از میان بار و بنه و آب مشکه  
 گذشته شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل که در خارج  
 سکه بودند و نه سارمیل فرموده بقیه روز را بمطالع کتب  
 و غیره بسر بردند

یکشنبه هشتم و توقف اردوی بهایونی در مشکه  
 و اشقی

در این روز محض آسایش ملزمین رکاب اعلیحضرت شاهی

تمام روز را در منزل استراحت فرموده بعد از نماز عاظمی عظیم  
و علام حسین ساعتی خاطر مبارک را با استماع نغمات موسیقی  
مسرور داشتند و محفل اشغال بظفر مبارک عکاسی و مینیات  
و محقق و موزچول فان و غیره در حضور جمایون بیانی تخته زد و مشغول  
گشتند این چاکرستان جمایون شایسته هیضیه و زکوة رفته با نغمه  
از جانب کسبی سحرانج طوکانه از سرکار شایسته بنزاده اعظم نایب  
سلطنه و عبیدیه بزرگ شایسته سرکار فتح الملوک مستوفی  
الممالک و وزیر امور خارجه و سردار کل احوال پرسسی نموده و نیت  
از ورود سرکاره علیاه مستفسر شده معلوم نمود که اردوی بنگار  
ایشان روز قبل شبمران و عمارت بناوران وارد شده و بجهت  
وجود مبارک سرکار علییه در کمال صحت است و جز آنجا جوهر خواجه  
و چهار کنبزه علام بچه در راه از خدام سرکار ایشان کسی تلف  
نشده و اردوی سرکار نایب سلطنه در کلندوک و وجود شایسته  
زاده اعظم در عین سلامت است و هم سرکار فتح الملوک با خسته

خوبش در باغ صسبا و دغا کومی وجود همایون شاهنشاه است و از  
 قرار یکد و زیردایه اعظم اظهار داشتند که بعضی برساند استند  
 و با در شمرات و شهر در نهایت تخفیف یافته قریب با تمام است  
 این چاکر در مراجعت شرح سلامتی وجود حضرت مهد علیا و شاهنشاه  
 زادگان و دغا کومی و استننان وزراء و تخفیف یافتن و با در بعضی  
 عاکفان حضور همایون رسانده خاطر مبارک از نیت معنی در نهایت  
 خرسند و مشغوف گشته شکرانه خداوند متعال بجای آوردند

دوشنبه دهم و سوم توقف اردو در حوالی فیروز کوه  
 در این روز نیز سرکار پادشاهی در منزل توقف فرمودند بعد از نماز  
 طامن صاحب نایب اول سفارت بهیه کلیس مقیم دربار دولت  
 علیه که از ابتدای سفر طمزم رکاب نصرت امشب بود شرف اندوز  
 حضور همایون و مورد عنایات بلا نهایت شاهنشاهی شد و حضرت  
 عزیمت دارم خلافت یافت امین الدوله و دپیر الملک و محمد حسین  
 میرزای پسر امیر آخوز بحضور احضار شده شاهنشاه ساعتی با ایشان

در باب حرکت اردو نسبت دار سحر و مشوره فرموده و حاجت  
رای صوابهای مبارک بدان و از گرفت که بعد از دور و از محض حاجت  
حال و بروز گرفت در باره چاکران و مذهب آن رکاب اردوی همی بونی  
از فیروز کوه کوچ داده بی سپردار بخلاف شوند از آنجا که مذمت  
بجای خان بزغال وجود آن مخصوص حضور جمایون همه وقت منظم نظر  
مهرمت اثر ناوگان است و همواره فائده مبارک را بحسن خدمت  
خود راضی و خوشنود دارد محض از دیار لطاف حسروانی و حصول  
درجات عالی با عظمی یک قطعه نشان و حایل از درجه امیر نومی نایل  
گشته قرین اعزاز و افتخار آمد آقا علی شیخ مت فائده حضور مبارک  
و حاکم ساوه که از تربیت به پیشان مخصوص استمان عطفیت بیان  
است و از بدو شهاب تا کنون خدمت و امانت خود را مشهور  
فاخر خطیر ملوکان ساخته ملقب فیل امین حضور که از اجله القاب است  
ملقب گشته دستخط جمایون با فتمارش شرف صدور یافت

همگام عصر آقا ابراهیم آید باشی در مدار پرده مبارکه عرض بساط

نموده استعداده و اقامت و البسه و آلات رزم و بزم و ادوات  
سکار و غیره ایرانی و فرنگی که در این سفر با خود همراه داشت و در  
یکصد بار بود از سان حضور مبارک گذرانید بحق بازاری  
تخریب بود که از هر نوع متاع در او یافت میشد و سخت عجب بود  
که در مشکو و اشیش اللہ در اشیاء موجود شود سرکار شاهی  
اغلب از اقمشه و البه و ثنک و غیره آنرا بنامان حرم  
جلالت و عمل خلوت همایون بذل و اعطا فرمودند

شنبه دهم و آخر توقف اردوی همایون در  
واشیش

در این روز بندگان اقدس محض تفریح و مسیبه افکنی بهنگام صبح  
بسمت شرقی و اشیش غزیت فرموده به بالای کوهی که در آن نواهی  
بود برآمدند و چون میرسکار معروض داشت که امروز سکار فوج  
و همیشه ممکن نیست سرکار پادشاهی در زبرکوه نهار میل  
فرموده و اندکی خوابیده بعد از نماز و صرف عصرانه و چای بصد



و کبک و تیموشقوا کشته و بهم تیمور میرزا و شاهزاده کریم  
خان و حاجی علی نقی فرانس نتوت خاصه در حضور همایون با فوشت  
نزل و طرلان صیدی نمایان کردند هنگام مراجعت حیدرآباد  
تفنگدار خاصه که تبلیغ افغانه فسیه و زکوه با حوال پرسی سرکار  
علیا رفته بود مراجعت کرده خاطر همایون را از سلامتی مزاج مبارک  
حضرت ایشان خورسند نمود و نیز معروض داشت که در فیروز  
کوه بروز و با شده است پس حکم بکوچ و حرکت پیشخانه مبارک به  
سمت دارالخلافه شد و در ورود بمنزل علیرضایان قاجار پیشد  
خاصه و خالوزاده اعلی حضرت شهر یاری که از جانب سنی اجواب  
شاهنشاه اسلام خلد الله ملکه و سلطانه خسته های طلای کسبه مظهر  
و بقعه منور اما بین همایون عسکر بین غلبه اسلام را بعینات غم  
درجات حمل داده بود مراجعت کرده شرفیاب خاکپای همایون شده  
خاطر مبارک از ملاقات ابن نوکر صدیق و تربیت یافته مخصوص و کار  
دان خورسند کشته سن خداتش را منظور نظر مرحمت اثر و مورد

الطاف بظانهایاتش ساخته حضوراً با عطای کیشوب سرداری  
ترمه تن پوشش اعلی قرین افشار و اعزاز آمد

چهارشنبه یازدهم و حرکت اردوی همایون از  
فیروزکوه بقبریۀ لزور

درین روز اردو و تیپ همایون بسمت لزور کوچ داد و سرکار پادشاه  
باعملۀ خلوت و تفنگداران و سکا رچیان بکوه واشی شریف  
برده است چون هوا صاف و خالی از غبار بود بجلگه و کوهها  
و مزارع و چمنهای سبز چمن سوادکوه نظر فرموده و بعد از  
نهار بادورمین سی و یک قوچ بزرگ بنظر آوردند که در سینه  
کوه خوابده بودند ولی بیک و رحمت اندیک شکارچی را مقرر  
داشتند رفد آنها را رم دادند و قوچها یک دفعه بسمت همایون حرکت  
کردند سرکار پادشاهی قوچی بهشت ساله را با یک تیر کلوله از پای  
در آوردند و قوچ دیگر در صد قدم فاصله صید فرموده و چنبد  
قوچ تیر زخمدار فرار کرده و حضرت همایونی از زبر کوه بزیار آمدند و در

نیم سنی منزل نماز گذارده و عصرانه و چای میس فرموده نیم

ساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو شدند

پنجشنبه دوازدهم تشریف فرمائی اردوی

بما یونی بمنزل ارجمند

درین روز چون جمعی از امانی صر مخانه مبارکه به تب نوبه وارد مستلا

شده بودند حکیم باشی طلزان و میرزا حسین دکتر حسب الامر باستعلاج

مشغول گشتند و سرکارناشاهی دو ساعت از روز برآمده سوار

گشته همه جا از کنار رودخانه و پیداستان خوش هوا و با صفا

بقریه اهتر و از آنجا بقریه شاد میمان و پنج ساعت از روز برآمده باره

ارجمند تشریف فرما شدند بعد از صرف نهار تا هنگام عصر بلا حظه

عزایض و زیر امور خارجه و صدور جواب و احکام مشغول بودند میرزا

علی خان پیشخدمت و منشی خاص حضور جمایون و نایب اول وزارت

امور خارجه که بر حسب امر اعلی مشغول خدمات نحریات و نکات

احکام و روزنامهجات و غیره بود یک شوب جبّه زرد کشمیری قسری

مفاخرت و اغزاز آمده و از خاکپای مبارک رخصت یافته  
بسمت دارا خلافت روان شد شب بعد از شام قورق شد  
چاکران خاص شرف اندوز حضور بودند و علی رضا خان درین شب  
حسب الامر از سفر خود و شرح عتبات عالیات و رسم پذیرائی و رفتار  
و احترامات کارگذاران دولت علیه عثمانی بالمشهد بامور و بدایای  
شاهنشاه ایران و وضع سنوک میرزا بزرگ خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم  
بغداد و خاصه از مباحثت و مواضبت جناب فضایل آباء قدسی اشرف مجتهد الزمان شیخ  
الاسلام و المسلمین شیخ عبده حسین سلمه الله تعالی در تقمیه کعبه منوره از جانب شاهنشاه  
و نصب خستنها طلا سر صافانه معروض خاک بهمان بویید شکر که پور سرور و شرح فاطمه مبارک بود  
جمعه سیزدهم شریف فرمائی موکب بمسایونی بوزنا  
راه امروز که چهار فرسنگ امتداد داشت راهی خوش آب و  
هوا و با سایه و صفا بود و سرکار پادشاهی همه جا تقشاش شریف  
فرمای بودند در دامنه کوه پربرف انکار بنهار میسل فرمودند و از قراء اندر تیر  
و آسور و نجف در و کردند انکار عبور فرموده چهار ساعت

به یوب ماند و تشریف فرمای وز نماندند و بقیه روز را بمصالحه

کتاب ناسخ التواریخ مشغول بودند

شنبه چهاردهم حرکت موکب همایون بسرشمه  
انکار

سرهارپادشاهی صبح با سب غوغا سوار شده و از گردن کوچکی

گذرشته چهار ساعت از روز برآمده بسرشمه انکار تشریف فرمائید

و چون مکان چادرها شک و هوا عیفن و غیر سالم بود و نفر از جواری

خاصه مرض و باد رحلت کرده خاطر مبارک افسرده گشته و مقرر شد

اردوی همایون در روز آینده کوچ کرده و بدون مکث و درنگ منزل منزل

بسمت سلطنت آباد پی سپر شود شب در دامنه کوه انکار که بالای سر اردو

همایون بود آقا یوسف نایب سرایدار حسب الامر تشبازی بس

عالم کرده و پنج از شب رفته صبیته شاه شاه که والده ایشان سرکارند میر

استلطنه همیره محمد نقیجان پیشخدمت است در حجر محانه مبارک که مرض

و بام بستلا گشته حکیمباشی طرزان بمعالجه مشغول شد و سرکار

شاهنشاهی در نهایت اندوهناک شده حکم بیدل صدقات و نذورات  
فرموده توکل و توسل بجاوندستعال بسته شقای مرغی مغزی البها  
را از خنداوند در خواست نمودند

یکشنبه پانزدهم تشریف فرمائی موکب مسعود  
به پلور خاک لار سجان

اول صبح بهبودی حال شاهزاده خانم را معروض خاکپای مبارک  
داشته خاطرهایون قدری آسوده گشته یک ساعت از روز برآمده  
سوار شدند و از دره شک و کنار قریه لاسم گذشته عباسقلی خان سره  
لار سجانی و میرزا مهدی باور با استقبال موکب منصور شتافته  
و بشرف الشرام حضور مبارک نایل گشته با لطف طوکانه سرافراز  
جشد و سرکار اقدس شاهنشاهی در کنار رودخانه صرف بنهار  
فرموده پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند

مردود و چهارده ساله زبازی بحضور مبارک آمده مبلغ ده تومان  
نقد و عباتی باو مرحمت شد و حضرت پادشاه تعجب داشتند

که درین سن هنوز از قوای او کاسته نشده در کمال قوه و قدرت  
پیاده راه میرفت و تکلم می نمود

دوشنبه شانزدهم ورود موکب همایونی منزل  
چشمه لای و ماوند

درین روز بواسطه بهبودی حال مرصاه و کثرت اعتدال هوا خاطر مبارک  
در نهایت خرسندگشته در اول روز با سب رخس سوار شد و از کربلا  
امام زاده تا ششم عبور فرموده در سر چشمه پای کرده از برای صرف نهار

فرود آمدند بعد از نهار میرزا مهدی بجان کشیکچی باشی که از دار کتلا ف  
بعزم زیارت رکاب مبارک آمده بود بحضور همایون مشرف گشته

و بعواطف و لطافت طوکانه مفرح آمده پنج ساعت بغروب مانده و آن  
والاصفات خسروانی بسر برده وارد شده تا عصر با چاکران و ملازمان

در حضور مبارک بظرایف و لطایف صحبت خاطر مبارک را مشغول  
میندیشیم

سه شنبه بمقدیم اطراق در و ماوند

درین روز چای پاراستراباد رسیده و عرایض اعتضادالدوله بمن

براسنیت استراباد و استرداد توپ که ترکمانان در محاصره نرس

تپه گرفته بودند و باز پس گرفتن جمعی از اسرای آن جنگ ملحوظ نظر

انورگشته خاطر مبارک در نهایت ازین خبر خورسند شده و جواب

عرایض اعتضادالدوله را بمحتلا صادر فرموده با استراباد روانه

داشتند و هم مصائبین عریفیه را محض اطلاع بمستوفی الممالک در ضمن

احکام مرقوم داشتند بدارمخلان روانه داشتند جمعی از انالی صرمان

مبارک که ازین منزل مرخص شده به نیاوران رفتند

چهارشنبه هجدهم و سوم اطراف ارووی بهایونی

ورد ماوند

درین روز اول صبح صبیته دیگر شاهشاه که همیشه شاهشاهزاده اعظم

بین الدوله است بمرض و باد گرفتار آمده و خاطر خسروانی از نفعی

بی نهایت متالم شده حکیم باشی طلزان و میرزا حسین دکن را مقرر شد

بمعالجه مشغول شوند و ذات والا صفات شاهشاهی محض تفرج و تفریح



هو با چندی نفی از عمده خلوت و غیره سوار شده این ملک  
 و این خلوت مخاطب بفرمایشات علیه کشیده تا آنکه حضرت شاه  
 از کنار روح افزای احمد خان نوالی گذشته و از پشت قریه از کنار رود  
 خانه که نسبت دریاچه تار و موج میرود عبور فرموده و در پای چناری عظیمه  
 که آبشاری دارد برای صرف نهار فرود آمدند و تا عصر در آنجا متوقف  
 بوده یک ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند بجهت تعالی  
 از فضل خداوند متعال و از اثر صدقات و تذورات و صداقت و موافقت  
 حکیمباشی طلزان و میرزا حسین حالت شایسته خاتم روی به بهبودی  
 گذاشته خاطر مبارک پاسود شب این الدوله و این الملک و حکیم  
 باشی طلزان احضار شده شاه در باب حرکت مصلحت فرمودند و با  
 وزراء از در مخالفت هر یضه عرض کرده و مستدعی آمدند توقف علیحدت  
 شاهنشاهی در و ما و پذیرفته بودند محض آسایش چاکران و ملازمان بقدر  
 شد چنانکه امر شده است پست و دوم اردوی بهابون بسلطت  
 آباد نقل نماید و این معنی بایه خوشنودی و از دبا و دعا کونی چاکران

پنجشنبه نوزدهم حرکت اردوی مبارکه بسمت  
مبارک آباد و ماوند

درین روز چون راه زباده از کیف سنگ و بنم نبود موکب مسعود زودتر  
از سایر ايام تشریف فرمای منزل شده عباس خان قاجار  
بشرف حضور عطا وقت دستور مفتوح شده و سرکار شایسته هی مبالغت  
عرايض و زراد و صد و را حکام مشغول گشته مفارن انجال چا پار  
دیگر از نزد مستوفی الممالک رسیده عرايض محمد اسمعیل خان وکیل  
الملک حاکم کرمان و میر علم خان حتمه الملک امیر قاین و سیستان را  
بجضور مبارک رسانده از فرار یکدیگر از سیستان نوشته بودند ازین بخت  
واقبال شاه قلعه ناد علی که انتمت رود، پیر منداست و از قلاع  
سخت قشون منصور بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بفرود نبله  
از ابراهیم خان بلوچ اشراع نموده و متصرف شده اند  
جمعه پستم تشریف فرمای موکب بهایون برسان  
من مجال لوان سادار بخلا و طهران

درین روز با یمن و استعاده اعلیحضرت شایسته با کمال انبساط  
 خاطر و فرح با سب کریم پیشی حاجی مصطفی قلیخان سوار شد  
 امین الدوایه و اعتماد السلطنه و امین الملک در رکاب مہر شایہ  
 بفرمایشات علیہ مخاطب آمدند بحی فان اجودان مخصوص و آغا علی  
 امین حضور از رکاب مبارک رخصت یافتند بہت شہر رفتند  
 و اجودان مخصوص را مقرر شد محل اردوی سرکار نایب السلطنہ  
 را قدغن نموده کہ تمیز و پاک نمایند و مالی فراشانہ را نیز قدغن  
 دارند کہ ہر پردہ مبارک کہ را در لتیان قرار دہند و سرکار پادشاہ  
 ہمہ جا از بالای کویہ میان درہ رستم و چہار باغ شریف آوردند  
 و نہار در پیدستان درہ میل فرمودہ چہار ساعت بغروب ماندند شریف  
 فرمای منزل شدند

شنبہ پست و یکم شریف فرمائی سرکار اقدس  
 شایستہ ہی بمنزل لتیان و کنار رودخانہ جاجرو  
 دو ساعت از روز برآمدہ ذات والا صفات حضرت شہر باری در کمال

شوکت

شوکت و جلال با سب اقبال سوز گشته این الدوله و دیر الملک  
 و رعنا با ساشنه در رکاب مبارک بمصاحبت مشغول گشته  
 تا موکب مسعود تشریف فرمای منزل شد علی که شخصی وارسته  
 و شب و روز بذر اسم مبارک حضرت امیر مؤمنان علی ابن ابی  
 طالب علیه السلام مشغول است و از دعا گو یان وجود مسعود و همایون  
 در خارج اردو با استقبال آمده دعای وجود مبارک گفت و مورد عطف  
 و مراسم طوکانه گشت درین منزل یکی از جواری خاصه که طفلی نه  
 ساله و موسوم به اجری بود برض و بلاء و فات یافت و هم در میان  
 فوج دوم که قراول وجود مبارک بود مرض و بلاء شایع شد حسب الامر  
 مقرر گردید که فوج در بمان محل چادر زده چند روزی توقف نمایند  
 و اطباء مشغول بمعالجه ایشان باشند تا بالمره رفع مرض از میان  
 آنها شده بعد باز اختلافه پایند <sup>یرجب</sup> آفا رخت دار خاصه شرفیاب شد  
 و کمری طلای طیلکه که تازه ساخته بود بالباس نو آورده از زیارت  
 حضور مبارک کجیاب آمد

## یکشنبه پست و دوم ورود مویکب مسعود بالکن والا اقبال ببلط آباد

درین روز که روز آخر سفر بود بخدمت تعالی وجود مسعود فرین کمال عاقبت  
بانصرت و اقبال بدون آنکه آسیبی با جدی از جا کران رسیده  
باشد سرکار پادشاهی بجمام تشریف برده و با سب رخس که براق  
الانس ده بودند و اسبی عظیم مجتهد و باشکوه است سوار گشته  
وز راه در رکاب و مخاطب بفرمایشات ملوکانه بودند محسن میرزای لیسر  
آخور که از مخصوصان حضرت کردند نسبت است در پای کردنه قوی  
بزیارت رکاب مبارک مشرف گشته و پای شایسته را بوسه داد  
و از حصول باین سعادت شکر خدا و نذر ایجای آورد سره پادشاهی بی  
اندازه از ملاقات چنین نوکری قدیمی و صدیق و دولتمتواه خوشنود گشته  
بلایه معزی الیه را مورد نوازشات و عواطف ملوکانه فرمودند در بالای  
کردنه محمد تقی میرزای برادر شایسته و کیومرث میرزای پسر قه بان میرزا  
و ملک منصور میرزا و هوشنگ میرزای ایلخانی پسر ملک آرا و محمد رحیم خان

قاجار نسقچی باشی غلام الدوله بزیا رست حضور مهر حضور مشرف آمده  
 نایب بفرانزوزمان توفیش مورد عواطف و مراحم هوکا نه آمد وزیر امور  
 خارجه یک بعد فوشس شفقار که فوشس کران بنا و در نهایت کمرباست  
 و میرزا یوسف خان کار پرداز دولت علییه از حاجی سرخان فرستاده  
 بود بحضور فرستاده به تیمور میرزا که در فن شکارچی کرمی و محافطت و  
 آموختن این مرغغان صیاد شوق و مهارتی نام دارد سپرده و مرت  
 شد که در شکارگاهها در حضور بجا یون با او صید کند شش ساعت بغروب  
 مانده موکب مسعود باشوکت و اجال بجمارت سلطنت آبا و شرف  
 ورود ارزانی داشت در خارج باغ شاهی شاهزاده اعظم نایب السلطنه  
 و سایر شاهزادگان و وزراء چون بهرام میرزای معزالدوله و فراد میرزای  
 معزالدوله و طماسب میرزای مؤیدالدوله و مستوفی المالک  
 و وزیر اداره علمیه و تجارت و سردار کل عساکر منصوره و وزیر مهم خارجه  
 و وزیر عدلیه و غلام حسین خان سپهدار و میرزا کاظم خان نظام الملک  
 و میرزا داود خان وزیر لشکر سابق و میرزا فضل الله وزیر نظام و میرزا

و میرزا باب مستواول

عبی و وزیر دار الخلافه و پیشکار سرکار نایب السلطنه و میرزا آقاسی پسر  
 لسان الملک و میرزا عباس خان معاون الملک و سایر مستوفیان  
 و تمام امیرنومانان و میرنچان و صاحبمنصبان عسکریه و معیرالممالک  
 و حاجی آقا اسمعیل و حاجی میرزا رحیم شیخ دست خاصه و ناظم دفتر خانیه بک  
 و حاجی رحیم خان صند و قدر خاصه و سایر پاجران خاص و اعظم دولت  
 جاوید مناصب بشرف حضور مبارک نایل و مستعد گشته از زیارت  
 جمال عدیم المثال خسروانی اظهار بشارت و شادمانی نموده و شاهنشاه  
 بیگان بجان ایشان اظهار مرحمت و کرمت فرموده و از امورات و  
 مشاغل مرجوعه بهر یک جو یا بودند تا دو ساعت بغروب مانده که بحرم  
 خانه مبارک که تشریف فرما شدند سرکار مهد علیا و ستر کبری و سرکار  
 عزت الدوله العلیه العالیه تا هنگام غروب از قبض حضور مبارک مسرور  
 و بهره یاب بودند بحمد تعالی از میامین اقبال پیروال و فرط مرحمت  
 خداوند متعال از روز ورود سوکب مسعود سلطنت آباد روز بروز  
 و بآه روی تمامی گذاشت و تا دهم جمادی الثانی بهیچ وجه آثاری از این

و میرزا فتحعلی خان

بلای

بلائی و افزد در تمام شمرانات و دارمخلوقه الناصره باقی ماند  
 سرکار بیابون شاهی در این مدت در سلطنت آباد مشغول رتق و تق  
 امور و تسلیح مسام دولتی و غنی شده و بهم حجابی الثانی بجمارت شایسته  
 پیه تشریف برده و پانزدهم شهر مزبور که ساعتی در نهایت سعادت بود  
 مبارکی و اقبال تشریف فرمای دارمخلوقه شدند سواره و پیاده عساکر  
 منصوره در خارج شهر صرف کشید تجار و کسب زن و مرد و دار  
 اخلاقه زیاده از پنجاه هزار کس در پیرون دروازه و معبر جمایون مجتمع  
 گشته قربانها کردند و زین به عاوشنای وجود جمایون گشودند و سرکار  
 شاهنشاهی از دروازه دولت بجمارت ارک تشریف آورده برسم  
 معهود با چک در طالار تخت مرمری سلام نشست حاجی آقا اسمعیل علیخان  
 سلام بگذار و بعد واسم مبارک حضرت ولایت مآب علیه السلام  
 یکصد و دو تیر در تهنیت ورود مسعود شنیک کرده نقاره خانه  
 دولتی غلغل افکن طارم خضر اشده حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه که بعضا  
 و آداب شرفیسی معروف است در سلام بفرمایشات علیه



مخاطب شدند و خطیب خطبه فصیح و بلیغ بعرض رسانده میرزا  
 سروش شمس الشعر قصیده و غزالیان را خواندند و سلام عام مبارک و  
 سلامت سمت اجتنام پذیرفت  
 از آنجا که کفایت و صداقت و روانی و درستی و امانت و حسن  
 خدمت میرزا یوسف مستوفی الملک خاصه در ایام غیبت موکب  
 مسعود مشهور و نظیر محنت از بهایون بود و اداره امور آن مملکت  
 را در نیسی چنین لازم در این روز جناب معظم البه را بصدارت عظمی  
 و ریاست وزراء سرفراز فرموده و با عنصای قلدان مرصع و جب  
 شمس الحسن که از علایات این منصب جلیل است نایل و منضم فرمودند  
 بهم چون خدمات شاهزاده اعظم اسطخه وزیر علوم و تجارت  
 و صنایع مقبول رای جهان آرا بود با عنصای یک قبضه کمر متعلق  
 بالکس قرین افشار و اعزاز آمد و عزیز خان سردار عمل عا کر منصوره  
 و وزیر جنگ که در ایام غیبت سرکارش شاه ای فاطمه مبارک را از حسن  
 خدمات خود خورسند داشته بود از تشریف یک ثوب کلید